

منافع ملی باید منطبق بر هویت ملت باشد

دست از ظلم‌ستیزی برنمیداریم «ائتلاف آمریکائی علیه داعش» دروغ است آمریکا تروریست و تروریست‌پرور است تبیین سه عنصر اصلی هویت ملت ایران

دست از ظلم‌ستیزی برنمیداریم؛ ائتلاف آمریکائی علیه داعش؛ دروغ است آمریکا تروریست و تروریست‌پرور است تبیین سه عنصر اصلی هویت ملت ایران
اعتدال: در هفدهمین روز از ماه مبارک رمضان، (22 خرداد 1396) سران قوا، مسئولان و کارگزاران نظام، جمعی از مدیران ارشد دستگاه‌های مختلف و عناصر فعال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، عصر روز دوشنبه (22 خرداد 1396) با حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند.
ولی امر مسلمین در این دیدار پس از گزارشی که حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی (رئیس‌جمهور) ارائه کرد(۱)، بیانات مهمی ایراد کردند.
* متن کامل بیانات معظم‌له در این دیدار به این شرح است.
بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم
والحمد لله رب العالمین و الصلوة والسلام علی سیدنا و نبینا ابی‌القاسم المصطفی محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین سیما بقیة‌الله فی الارضین.

* آقای رئیس‌جمهور گزارش خوبی دادند
خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولین محترم. این جلسه یکی از جلسات مبارک دوران سال ما است. مسئولین محترم حضور دارند از بخشهای مختلف و گزارشهای خوبی را می‌شنوند؛ کماینکه امروز هم آقای رئیس‌جمهور گزارش خوبی دادند. معمولاً این‌جور است که رؤسای جمهور در این جلسه، گزارش فعالیتهای مثبت خودشان را هرکدام بنحوی بیان میکنند. خب ذهنها و فکرها، با اطلاعات، با اخبار آشنا می‌شوند؛ و حقایق را می‌شنوند؛ از این‌جهت هم بحمدالله جلسه مبارکی است.

* ماه مبارک رمضان را باید خیلی مغتنم بشماریم
لکن من آنچه در آغاز این عرایض می‌خواهم عرض بکنم، مربوط به ماه مبارک رمضان است که بیش از نیمی از این فرصت طلایی را ما گذرانده‌ایم و کمتر از نیمی از این ماه باقی است. این فرصت را باید برادران عزیز، خواهران عزیز، مسئولین محترم، بخصوص ماها، خیلی مغتنم بشماریم؛ فرصت انابه است، فرصت رجوع به خدای متعال است، فرصت نورانی کردن دل و طراوت دادن به دلها است و فرصت تضرع است؛ پیش خدای متعال تضرع کنیم. هرکدام از شماها در هر بخشی که مشغول کار هستید، مطمئناً مشکلاتی دارید، کمبودهایی دارید؛ نیاز دارید به عناصری، به عواملی؛ اینها را از خدا باید بخواهیم. در کنار تلاش شما مطمئناً دعای شما و تضرع شما یک امر لازمی است؛ این تضرع را بایستی ما فراموش نکنیم.

* تفاوت تضرع عندالله و تضرع نزد بندگان خدا؛
در چند دعا ازجمله دعای شریف ابی‌حمزه؛ ی‌ثمالی [آمده]: «وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ»؛ (تضرع نزد بندگان خدا؛ تفاوت تضرع عندالله و تضرع نزد بندگان خدا؛
راه نجات ما تضرع به نزد پروردگار متعال است. خب تضرع پیش خدای متعال که مایه نجات ما است - میگوئیم «وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ»؛ - این تضرع، چطور وسیله نجات است؟
انسانهای ضعیف هم گاهی ممکن است تضرع کنند نزد انسانهای دیگر؛ فرق این [دو] چیست؟ فرق و تفاوت میان تضرع عندالله و تضرع عند بندگان خدا؛
بنندگان خدا برای این است که شما دل آن‌کس را که پیش او تضرع میکنید، نرم کنید؛ [اما] تضرع عندالله برای این است که دل خودمان را نرم کنیم؛ دل خودمان را نجات بدهیم از قساوت؛ این مایه نجات است. اگر دل از حالت قساوت خارج شد و نرم شد، نورانیت پیدا خواهد کرد. این نورانیت دل است که راه‌ها را به روی انسان باز میکند،

به انسان امید میبخشد، به انسان تلاش میبخشد، انسان را در راه و های صحیح و درست هدایت میکند. تقوا وقتی و zwnj؛ بود، خدای متعال هدایتش را به انسان عنایت میکند. این تقوا ناشی از همان نرمش دل و لطافت دل و نورانیت دل است؛ اصل قضیه این است.

* پیامدهای و قساوت قلب و raquo;

در سوره و zwnj؛ ی مبارکه و zwnj؛ ی زمر [آمده]: قَوْلٌ لِلنَّسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي و zwnj؛ ضَلَّالٍ مُبِينٍ و zwnj؛؛ (۲) دل سخت، دل دچار قساوت، این و zwnj؛ جوری است. گمراهی آشکار برای اینها در این آیه ذکر شده. در سوره و zwnj؛ ی مبارکه و zwnj؛ ی مائده درباره و zwnj؛ ی بنی و zwnj؛ اسرائیل میفرماید: قِيَمًا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (۴) مظهر لعنت الهی، قساوت قلب آنها است که بر اثر عمل خود آنها است: قِيَمًا نَقُضُهُمْ مِيثَاقَهُمْ؛ معاهده و zwnj؛ ی خودشان با خدای متعال را فراموش کردند، نقض کردند. اینها چیزهایی است که در جامعه و zwnj؛ ی مؤمن ما باید مورد توجه باشد؛ بخصوص برای ما مسئولین که هرکدام در یک بخشی، باری بر دوش داریم. در سوره و zwnj؛ ی مبارکه و zwnj؛ ی بقره، باز درباره و zwnj؛ ی بنی و zwnj؛ اسرائیل [میفرماید]: ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ؛ (۵) از سنگ سخت و zwnj؛ تر شد دلهايتان؛ این را پیغمبر اکرم از قول پروردگار در مقام مجادله و مجاه و zwnj؛ ی با یهودی و zwnj؛ ی های مدینه بیان میفرماید و گذشته و zwnj؛ ی آنها را به یادشان می و zwnj؛ آورد. همه و zwnj؛ ی اینها برای ما وسیله و zwnj؛ ی درس و آگاهی و عبرت و موعظه است، باید سعی کنیم. در یک روایتی در کافی شریف است: وَالْقَاسِيَةُ الْقَلْبَ مِثِّي بَعِيدٌ؛ (۶) بعد از خدای متعال، بدترین آفت برای انسان است؛ که انسان از خدای متعال دور بشود و قساوت قلب این خصوصیت را دارد که انسان را دور میکند. یا در یک روایت دیگر: مَا ضَرَبَ و zwnj؛ عَبْدٌ يَعْقُوبَةَ أَكْظَمَ مِنْ قَسْوَةِ الْقَلْبِ و zwnj؛؛ (۷)

* روزه و zwnj؛ داری و دعاها ماه مبارک رمضان دل را نرم میکند

خب از این آیام باید استفاده کرد. فرصت خوبی است ماه مبارک رمضان؛ هم [به و zwnj؛ واسطه و zwnj؛ ی] دعاها در این ماه - چه آنچه و zwnj؛ مربوط به سحرها است، چه آنچه و zwnj؛ مربوط به روزها یا شبها است- که دعاهاست است که مضامین آنها دل ما را نرم میکند، و هم خود نفس روزه و zwnj؛ داری و توجه به وظیفه؛ ما به این احتیاج داریم.

* اگر جامعه از ذکر و خشوع غافل بشود ضربه خواهد خورد

جامعه و zwnj؛ ی اسلامی و انقلابی ما اگرچنانچه از ذکر الهی و یاد الهی و خشوع در مقابل پروردگار و تضرع در مقابل پروردگار غافل بشود، مطمئناً ضربه خواهد خورد، سیلی خواهد خورد؛ مطمئناً ناکام خواهد شد. ما به آن اهداف والا، به آن خواسته و zwnj؛ ی های مطلوب، در صورتی میرسیم که بتوانیم یک تلاش مؤمنانه و صادقانه و zwnj؛ ی را دنبال بکنیم؛ و آن جز با توجه به خدای متعال و افزایش نورانیت دل و ارتباط دل با خدای متعال ممکن نیست؛ این آن عرض ما در مورد اغتمام فرصت ماه رمضان که به نظر من از همه و zwnj؛ ی آنچه عرض خواهیم کرد مهم و zwnj؛ تر است. اساس حرف ما این است؛ باید مراقب باشیم. البته من خودم اولین مخاطب این حرفها هستم؛ بنده بیشتر از شما مسئولیت دارم و بار سنگین و zwnj؛ تری از بارهای شما دارم، خود من به این حرفها بیشتر احتیاج دارم؛ برای من، برای شما، لازم است که توجه کنیم، استفاده کنیم از این ماه، از این فرصت؛ شبهای قدر هم که در پیش است.

* فرصتی برای پرداختن مسائل کلی و کلان و مهم کشور

خب این جلسه، فرصتی است برای پرداختن به برخی از مسائل کلی و کلان و مهم کشور تا برخی از مسائلی که گاهی ممکن است مورد گفتگو و بحث و اختلاف و zwnj؛ و zwnj؛ و zwnj؛ نظر باشد، در اینجا مطرح بشود، بحث بشود؛ بعضی از مسائلی که ممکن است مورد غفلت قرار داشته باشد از طرف ماها، اینجا مورد تذکر قرار بگیرد؛ از این جهت جلسه و zwnj؛ ی مفیدی است؛ [چون] مسئولان هستند، صاحب و zwnj؛ نظران هستند.

* عظمت انتخابات، قدرت انقلاب را نشان داد

خوشبختانه امسال ما پدیده و zwnj؛ ی انتخابات را داشتیم؛ انتخابات کار بزرگی بود؛ عظمت انتخابات، قدرت انقلاب را نشان داد، قدرت نظام اسلامی را نشان داد؛ ما از این نباید غفلت کنیم. در تبلیغات جهانی، در حرفهایی که درباره و zwnj؛ ی انتخاب ما در رادیوها و رسانه و zwnj؛ ی های جهانی زده میشود - که خب مشاهده میکنید دیگر که راجع به انتخابات ما مرتب دارند حرف میزنند- به این نکته اصلاً اشاره و zwnj؛ ای نمیکند و نمیپردازند که این انتخابات نشان و zwnj؛ دهنده و zwnj؛ ی قدرت نظام بود؛ نشان و zwnj؛ دهنده و zwnj؛ ی توانائی و zwnj؛ ها و عمق نفوذ نظام در دلها بود. معمولاً این را نمیگویند اما واقعیتی است که وجود دارد.

* مردم در انتخابات نظام جمهوری اعتماد کردند

مردمی که در روز جمعه و zwnj؛ ی انتخابات پای صندوقهای رأی آمدند، به هر کسی رأی دادند، همه و zwnj؛ شان یک کار

مشترک انجام دادند؛ این کار مشترک، خیلی با ارزش است. این کار مشترک را باید دید و باید به دنیا نشان داد؛ این کار مشترک، اعتماد به نظام بود، اظهار اعتماد به نظام اسلامی بود. بله، بعضی‌ها به رأی دادند، بعضی‌ها به عمرو، بعضی‌ها به بکر، بعضی‌ها به خالد، لکن همه‌ی اینها یک کار مشترک کردند. آن کار مشترک همین بود که به این صندوقی که نظام جمهوری اسلامی آنجا گذاشته بود اعتماد کردند و به این حرکت عظیمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر شده‌است؛ است اعتماد کردند و برای انتخاب مسئول اجرائی کشور وارد عرصه و صحنه شدند؛ این خیلی مهم است.

* همه‌ی ملت با دشمنان پیشرفت این ملت مخالفند

این کار مشترک را ما خرابش نکنیم. ما از لایه‌ی این کار مشترک، حرف‌ها و ملاحظات دریاوریم جوری که اصل این حرکت مشترک را خرابش کنیم، ضایعش کنیم؛ این کار مشترک، خیلی مهم بود. [اما] اینکه ما بیائیم ملت ایران را تقسیم کنیم بگوئیم لاquo؛ بعضی‌ها به این موضوع آره گفتند یا [خیر]؛ نه، مردم فقط آمدند اشخاص را معین کردند. چرا تقسیم میکنیم افراد را؟ مراقب باشیم این تقسیم‌ها؛ کردن‌ها، این بگومگوها، از دل یک کار بزرگ و مشترک ملت ایران بیرون نیاید. همه‌ی ملت ایران، با دشمنان این ملت و با دشمنان پیشرفت این ملت، مخالفند. بله، ممکن است کسانی هم باشند که خائنند؛ در همه‌ی کشورها، در همه‌ی ملت‌ها، در همه‌ی زمان‌ها آدم‌های خائنی هستند، اما قاطبه‌ی ملت ایران کسانی‌اند که با دشمنی که سختی‌ها را بر ملت تحمیل میکند، تحریم را تحمیل میکند، جنگ را تحمیل میکند، ناامنی را تحمیل میکند، مخالفند، بدند؛ همه‌ی ملت این‌ها را جورند.

* اگر همه تلاش کنند میتوانیم دشمنان را به زانو دریاوریم

امروز هم که مشاهده میکنید بعد از انتخابات ما، آمریکائی‌ها، با وقاحت تمام، هم تحریم را افزایش دادند، هم بیشتر از همیشه بر طبل مخالفت و مبارزه و عناد و مانند اینها دارند می‌کوبند؛ این‌ها جوری است دیگر. با توجه به دشمنی‌ها، با توجه به وضعیت، با توجه به نیازها، با توجه به اهداف بلندی که در مقابل ما است، باید یک فضای جدید ایجاد بشود. در ایجاد این فضای جدید - فضای همکاری، فضای کار و فضای تلاش برای هدف مشترک که آن عبارت است از پیشرفت کشور و اعتلاء نظام جمهوری اسلامی- همه سهیمند، همه شریکند. باید بتوانیم خودمان را به مقاصد نظام مقدس جمهوری اسلامی، قدم‌ها؛ به قدم نزدیک کنیم. اینها مقاصدی است که در شعارهای جمهوری اسلامی از اول وجود داشته، امروز هم هست؛ باید خودمان را نزدیک کنیم به آنها. این [هدف] تلاش همه را میخواهد. اگر همه تلاش کردیم، میتوانیم بایستیم، میتوانیم استقامت کنیم، میتوانیم دشمنان را به زانو دریاوریم؛ اگر همه با هم باشیم؛ این توصیه‌ی همیشه‌ی ما است. امروز هم من مجدداً توصیه میکنم؛ همه بایستی مسئولین کشور را کمک کنند، همکاری کنند که بتوانند کار کنند؛ مسئولین کشور هم بایستی جانب مردم را به معنای واقعی کلمه رعایت کنند؛ مسئولان بخش‌های مختلف هم باید با هم همکاری کنند. داب (۸) بنده هم این است که همیشه از همه‌ی دولت‌ها که بر سر کار هستند حمایت میکنم؛ امروز هم همین‌ها؛ جور است، بعد از این هم ان‌شاءالله تا زنده هستیم همین‌ها؛ جور خواهد بود.

* باید بتوانیم ملاک‌های تصمیم‌گیری را درست انتخاب بکنیم

در یک نگاه کلان به مسائل کشور، شماها که مسئول هستید، از مسئولین درجه‌ی یک تا مدیران بخش‌های مختلف، اگر بخواهید کشور را درست اداره کنید، اگر بخواهید فرصت‌ها و تهدیدها را به معنای واقعی کلمه مدیریت بکنید - چون هم فرصتهائی هست، هم تهدیدهائی هست؛ باید بتوان این فرصت‌ها و تهدیدها را درست مدیریت کرد- اگر بخواهید سرمایه‌های ملی را درست به کار بگیرید، اگر بخواهید ظرفیتهای کشور را که بسیاری از این ظرفیتهای هم هنوز ناشناخته‌اند به فعلیت برسانید و از آنها بهره‌برداری بکنید، اگر بخواهیم راه را از بیراهه تشخیص بدهیم - چون انسان، مسئولین کشور، دولت‌ها و بخش‌های مختلف، در مقابل خودشان گاهی راه‌ها؛ را مشاهده میکنند که بعضی از این راه‌ها بیراهه است؛ ما را به سرمنزل مقصود نمیرساند- و این کارهای بزرگ را انجام بدهیم، احتیاج داریم که اولاً ملاک‌های تصمیم‌گیری‌مان را مشخص کنیم و آنها را درست انتخاب کنیم، ثانیاً از تجربه‌ی هایمان استفاده کنیم؛ این عرض امروز من است. باید بتوانیم ملاک‌های تصمیم‌گیری را درست انتخاب بکنیم؛ غالباً در اینجا لغزشهائی وجود دارد؛ در طول زمان، در طول دورانه‌های مختلف، نه امروز؛ حالا عرض خواهم کرد.

* منافع، وقتی واقعاً منافع ملی هستند که با هویت ملت در تعارض نباشند

خب، ملاک تصمیم‌گیری چیست؟ طبعاً آن حرف کلی که در اینجا وجود دارد، منافع ملی است؛ یعنی ملاک تصمیم‌گیری برای دولت‌ها، تأمین منافع ملی است؛ حالا چه منافع کوتاه‌مدت، چه منافع بلندمدت. مسئله اینجا است که منافع ملی را چه‌جوری تعریف کنیم، چه‌جوری شناسائی کنیم؛ چه چیزی را واقعاً منافع

ملّی بدانیم و چه چیزی را نه. آن نکته‌ی اساسی که مورد نظر بنده است و می‌خواهم عرض بکنم، این است که منافع ملّی آن‌وقت منافع ملّی هستند که با هویت ملّی ایران، با هویت انقلابی ملّت ایران در تعارض نباشند. آن‌وقت منافع واقعاً منافع ملّی هستند که با هویت ملّت در تعارض نباشند، و الاً آنجائی که ما چیزی را به‌عنوان منافع ملّی در نظر می‌گیریم لکن هویت ملّی را پایمال می‌کنیم، قطعاً اشتباه کرده‌ایم؛ این منافع ملّی نیست؛ این چیزی است که از دوران مشروطه تا قبل از انقلاب، متأسفانه سرنوشت همیشگی کشور ما بوده؛ هویت ملّی را زیر پا لگدمال کردند. البته از قبل از دوران پهلوی، از اواخر دوران قاجار، این حالت پیش آمده. هویت ملّی همیشه پامال چیزهائی شده است که به‌عنوان منافع ملّت ایران به نظر مدیران و تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان میرسیده و اجرا می‌کردند؛ این یعنی معکوس کردن نسبت. منافع ملّی بایستی با هویت ملّی تطبیق داده بشود، نه اینکه هویت ملّی تابع منافع ملّی قرار بگیرد، که قهراً منافع تخیلی است. اینکه یک نفری بپاید بگوید که ما از فرق سر تا ناخن باید فرنگی بشویم تا اینکه بتوانیم پیشرفت کنیم، ترقّی کنیم؛ این همان پامال کردن هویت ملّی است. یعنی به یک ملّتی با سابقه‌ی تاریخی، با فرهنگ غنی و قوی، با این‌همه اعتقادات، با این‌همه سرمایه‌های گوناگون معنوی می‌گویند؛ شما بیایید همه چیزتان را رها کنید، بریزید دور، از فرق سر تا ناخن پا بشوید غربی، تا آن‌وقت بتوانید پیشرفت کنید؛ یعنی یک منفعی را تصویر می‌کنند و ترسیم می‌کنند برای ملّت که لازمه‌ی اش جدا شدن از هویت ملّی است؛ این همان بی‌هویت کردن ملّت و بی‌وجودیت کردن ملّت است؛ که در دوران پهلوی، به حدّ اعلیٰ رسید؛ البته عرض کردم، از اواخر دوران قاجار شروع شده بود. انقلاب آمد، این نگاه را عوض کرد، تغییر داد.

* انقلاب اسلامی یک هویتی برای ملّت تعریف کرد

یکی از کارهای بزرگ انقلاب اسلامی همین است که یک هویتی برای ملّت تعریف کرد و بر آن پافشاری کرد؛ منافع ملّی را براساس آن استخراج کرد و استنباط کرد و ترسیم کرد و تصدیق کرد و دنبال کرد. ما در آن شکل قبلی به منافع ملّی هم واقعاً نمی‌رسیم؛ کمااینکه شما ملاحظه کنید کشور ما با این‌همه سرمایه، با این‌همه امکانات، به‌خاطر از دست دادن همین هویت، از دوران مشروطه تا قبل از انقلاب هیچ پیشرفت متناسب با شأنش و متناسب با آن سیلی که در دنیا بود نداشت. در دنیای پیشرفته و فعال و زنده، حرکت به سمت جلو از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ بخشهای مختلف زندگی جور دیگری پیش رفت؛ [اما] در کشور ما نه، توقف و رکود حاکم بود؛ اما از انقلاب به این‌طرف با تغییر این نگاه، وضعیّت عوض شده. ما از بعد از انقلاب احساس می‌کنیم پیشرفت داریم، احساس می‌کنیم داریم به جلو حرکت می‌کنیم؛ البته عقب‌افتادگی‌ها زیاد است، اما پیشرفت محسوس است.

* احساس هویت، اعتماد و به‌نفس به انسان می‌دهد

من در صحبت اوّل سال، شاید مجملّاً یک فهرستی از دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف - در زمینه‌های زیرساختی، در زمینه‌های نیروی انسانی؛ در زمینه‌های گوناگون - گفتم؛ چون بعضی حاضر نیستند اینها را اقرار کنند، اعتراف کنند؛ [حتّی] بعضی از خود مسئولین هم غفلت می‌کنند از آنچه دستاورد انقلاب است. [اینکه] با این مسائلی که برای کشور پیش آمد، با این‌همه مشکلات، با تحمیل جنگ، با تحمیل تحریمهای کذائی، با دشمنی صریح و واضح قدرتهای مسلط دنیا، کشور توانسته است این دستاوردها را به دست بیاورد، اینها نیست، جز اینکه کشور احساس هویت کرد؛ ملّت ایران هویت خودش را فهمید، شناخت، احساس موجودیت کرد، با قوّت و قدرت حرکت کرد؛ این احساس هویت چنین حالتی را به انسان می‌دهد؛ این اعتماد و به‌نفس به انسان می‌دهد.

* سه‌عنصر اصلی

هویت ملّت، مسلمانی،

عمق تاریخی و انقلابی بودن

خب می‌گوئیم؛ هویت ملّت ایران؛ این هویت چیست؟ هویت ملّی ما چه‌جوری تعریف میشود؟ ما ملّتی هستیم مسلمان، ریشه‌ی دار در تاریخ، و انقلابی؛ این هویت ما است. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما، و انقلابی بودن ما سه‌عنصر اصلی است که هویت ملّت ما را تشکیل می‌دهد. این سه‌عنصر را نباید از نظر دور برداریم.

اسلامی بودن ما یعنی ارزشها و اصول اسلام، تشکیل‌دهنده‌ی هویت ما است. ریشه‌ی داری ما در تاریخ یعنی نیروهای انسانی ما در طول تاریخ، دارای افکار بلندی بوده‌اند - در بخشهای مختلف؛ در فلسفه، در علم، در فناوری - و در طول تاریخ به‌حسب موقعیّت زمانی، کارهای بزرگی را انجام داده‌اند و به بشریّت حرکت داده‌اند؛ این را توجه داشته باشید. اینکه ما خیال کنیم؛ فناوری نو و ابتکار، متعلّق به غرب و اروپا و مربوط به آنها است و از اوّل اینجور بوده؛ نخیر، این خطا است. ما در دورانهائی پیشرو و پیشتاز در فناوری بودیم؛

فناوری؛ های متناسب روز. البته طبیعت علم و فناوری این است که هرچه جلوتر برود، سرعت بیشتر میشود؛ مثال زده؛ ایم بارها و تکرار نمیخواهم بکنم. هرچه پیشرفت انجام بگیرد، سرعت هم پیوسته بیشتر میشود. علت اینکه فاصله؛ ی کشورهای پیشرفته؛ ی علمی با کشورهای عقب؛ افتاده دائماً زیاد میشود، همین است؛ پیشرفتهای علمی، سرعت را هم زیاد میکند. ما آن روز البته به تناسب زمانه؛ ی خودمان پیشرو در مسائل فناوری بودیم؛ نه؛ فقط ما به؛ عنوان ایران، خیلی از کشورهای شرقی این حالت را داشتند، از جمله ما ایرانی؛ ها.

* انقلاب بخش مهمی از هویت ما است

بنابراین، مسلمانی و ریشه؛ داری در تاریخ؛ و بعد انقلاب؛ انقلاب بخش مهمی از هویت ما است. انقلاب یعنی آن حرکت تحولی عمیقی که با تکیه؛ ی به اسلام توانست وضعیت کشور را عوض کند و یک قلم مهم آن، این بود که ملت را از حاشیه بیرون آورد، وارد متن اداره؛ ی کشور کرد. ملت در کشور، هیچ؛ کاره بود؛ ملت ایران، در طول قرنهای متمادی، اصلاً در ذیل حکومتها تعریف میشد، نقشی در ایجاد [حکومتها نداشت]. بله، وقتی پادشاهی جنگی داشت، عده؛ ای از ملت را میگرفت، زیر سلاح میبرد و آنها را به جنگ میبرد؛ نقش ملت همین؛ بود. اما اینکه ملت بتواند در تعیین یک سیاستی، در تعیین یک مسئولی - چه برسد مسئولین درجه؛ ی یک کشور- نقش داشته باشند، چنین چیزی وجود نداشت. ملت منتظر نشسته بود تا این سلسله برود، آن سلسله؛ ی بعدی حکومت بیاید؛ همچنانکه این حکومت میکرد، حالا آن [دیگری] بیاید حکومت کند؛ آن قبلی زور میگفت، حالا بعدی بیاید زور بگوید؛ ملت ایران نقشی نداشتند.

* مسئولین گوناگون باید

به ملت جواب بدهند

اولین بار در طول تاریخ ما - تاریخ چندین قرنی، تاریخ از دوران باستان به این طرف- ملت ایران بعد از انقلاب، نقش پیدا کردند، از حاشیه وارد متن شدند و تعیین میکنند. همچنانکه معلوم است، از بالاترین مسئول کشور، از رهبری، ریاست جمهوری، مسئولین گوناگون دیگر، با انتخاب ملت مسئولیت پیدا میکنند و سر کار می؛ آیند و به ملت باید جواب بدهند؛ باید به ملت جواب بدهند. این یک قلم از مهمترین حوادثی بود، تغییراتی بود، تحولاتی بود که انقلاب ایجاد کرد. بنابراین، بعد از انقلاب، منافع ملی تغییر پیدا کرد؛ یعنی معیارها برای منافع ملی طبعاً تغییر پیدا کرد. بعد از آنکه انقلاب شد، همین؛ طور که عرض کردیم، دیکتاتوری؛ ها به مردم؛ سالاری تبدیل شد، وابستگی؛ ها به استقلال سیاسی تبدیل شد، عقب؛ ماندگی به پیشرفتهای قابل توجه تبدیل شد؛ در زیرساختها، در نیروی انسانی، در صنایع مهمی مثل نانو، زیست؛ فناوری؛ صنایع بزرگی که ماها امروز جزو درجه؛ های بالای آنها در دنیا و در بین دوپست؛ وخرده؛ ای کشور هستیم؛ در علم، در آموزش عالی و غیره. خب اینها حوادثی بوده که هویت انقلابی ما اینها را به وجود آورده.

* هر چیزی که با این هویت در تعارض باشد،

منافع ملی نیست

پس نتیجه؛ هر آن چیزی که با این هویت در تعارض باشد، منافع ملی نیست، ولو ما تصور کنیم که این یک سودی است برای ملت یا منفعتی است برای ملت؛ نه، هرچه با اسلام ما، با انقلاب ما، با گذشته و سابقه؛ ی تاریخی دیرینه؛ ی ما، معارضه داشته باشد، جزو منافع ملی به؛ حساب نمی؛ آید.

* پیشرفتهای بشری مال همه است و ان؛ شاءالله بیشتر هم استفاده خواهیم کرد

البته از این حرف، برداشت اشتباه نشود؛ این معنایش این نیست که ما خودمان را از پیشرفتهای علمی دنیا یا پیشرفتهای گوناگون بشری محروم کنیم؛ نه، چون این روزها معمول شده، هر یک کلمه حرفی که از دهان مسئولین صادر میشود، در یک سطح وسیعی - از رادیوی انگلیسی گرفته تا نمیدانم فلان پایگاه اینترنتی- مرتب به میل خودشان تفسیر میکنند، تأویل میکنند؛ باز تأویل نکنند این حرف را که ما گفتیم چون انقلاب کردیم، چون مسلمان هستیم، چون سابقه؛ ی تاریخی داریم، بنابراین باب استفاده؛ از پیشرفتهای بشری را به روی خودمان میبندیم! خیر، پیشرفتهای بشری مال همه است، مال کس خاصی نیست؛ همه؛ ی بشریت حق دارند از این پیشرفتهای استفاده کنند. هر کسی عاقل؛ تر باشد، زرنگ؛ تر باشد، بلدتر باشد، بیشتر استفاده میکند؛ ما مایلیم که عاقل؛ تر و بلدتر باشیم، ان؛ شاءالله بیشتر هم استفاده خواهیم کرد. این حرف معنایش این است که منافع ملی ما ذیل تلقین سیاستهای خارجی نباید قرار بگیرد. ما باید خودمان منافع ملی را تعریف کنیم؛ تحمیل نباید وجود داشته باشد.

* قدرتهای استکباری منافع خودشان را هنجار بین؛ المللی معرفی می؛ کنند

بیگانه‌ی از آن، یا هر چیزی از این‌ها؛ قبیل [داشته] باشد، جزو منافع ملی نیست و مورد تصمیم نمیتواند قرار بگیرد.

* انسجام و اتحاد ملی را باید حفظ کرد

و اما تجربه‌ی آن‌ها؛ گفتیم باید از تجربه‌ی آن‌ها استفاده کنیم. چند مورد را من اینجا ذکر کرده‌ام. یک مسئله، مسئله‌ی تأثیر انسجام و اتحاد ملی است در موفقیت؛ این بسیار چیز مهمی است. در صحبت‌های آقای رئیس‌جمهور هم بود، بنده تأیید میکنم که انسجام ملی را باید حفظ کرد، اتحاد ملی را باید حفظ کرد. مشترکات را بایستی همواره در نظر داشت. این منافاتی ندارد با اینکه یک مخالفتی هم در یک بخشی - که مخالفت با فلان سیاست یا با فلان برنامه دارد - مخالفت خودش را ابراز کند؛ هیچ منافاتی ندارد. اما به معنای این نباید باشد که در زمینه‌ی مسائل کلان و اساسی کشور، کشمکش و بگومگو هست.

* کشور را دوقطبی نباید کرد

ما این انسجام و اتحاد و تأثیرش را در طول این قریب چهل سال آزموده‌ایم. خب در جنگ هم یک عده‌ای بودند که مخالف بودند. در همان اوقاتی که ما گرفتار جنگ تحمیلی بودیم، یک عده‌ی از همین خیابانها و سر چهارراه‌های تهران بودند - قاعدتاً خیلی‌ها - از شماها در یادتان هست - که ایستاده بودند و علیه جنگ اعلامیه پخش میکردند. مخالفت ممکن است وجود داشته باشد لکن قاطبه‌ی ملت، عمده‌ی ملت، حرفشان یکی بود و ایستادگی کردند روی حرف، این همان چیزی است که مورد نظر ما است که انسجام و اتحاد ملی است. کشور را دوقطبی نباید کرد، مردم را به دو دسته نباید تقسیم کرد؛ آن حالتی که در سال ۵۹ متأسفانه از ناحیه‌ی رئیس‌جمهور آن و روز اتفاق افتاد که مردم را به دو دسته‌ی موافق و مخالف تقسیم کرده بودند که چیز خطرناکی است.

* مشکل عمده‌ی در سال ۸۸ عدم فاصله‌ی گذاری واضح

با دشمن بود

یک نکته‌ی دیگری که در باب این انسجام ملی و اتحاد ملی لازم است عرض بکنم این است که این اتحاد، آن وقتی آشکار و بارز خواهد شد که با دشمن، فاصله‌ی گذاری واضحی انجام بگیرد. یکی از چیزهایی که اتحاد ملت را زیر سؤال میبرد و شبهه ایجاد میکند و اختلاف ایجاد میکند و اگر اختلافی هست آن را آشکار میکند، فاصله قرار ندادن با دشمن است؛ مراقبت بشود. دشمن تنها در خارج از کشور نیست؛ گاهی اوقات دشمن، داخل کشور هم نفوذ میکند. در سال ۸۸ ملاحظه کردید؛ در بعضی از خیابانهای تهران گروه‌هایی پیدا شدند - البته عده‌ی زیادی نبودند، عده‌ی کمی بودند - صریحاً علیه نظام حرف زدند. مشکل عمده‌ی آن که پیش آمد، از ناحیه‌ی فاصله نگذاشتن میان یک گروهی با اینها بود؛ باید فاصله را اعلام میکردند، نکردند، [لذا] مشکلات بعدی پیش آمد. وقتی شما می‌بینید که عده‌ی آن با اساس نظام شما، با اساس انقلاب شما، یا اساس باور و دین شما بنای مخالفت و بنای کارشکنی و اذیت کردن دارند، باید فاصله‌ی خودتان را با اینها مشخص کنید و اعلام بکنید که با اینها فاصله دارید؛ این یک چیز لازمی است. بخصوص ما مسئولین در این زمینه بایستی خیلی جدی و کوشا باشیم. اگر این [طور] شد، آن وقت اتحاد و انسجام ملی معنا پیدا میکند و تحقق پیدا میکند.

* تولید ملی باید مورد توجه

قرار بگیرد

نکته‌ی دومی که جزو تجربه‌ی آن‌ها است؛ به ظرفیتهای داخلی اولویت دادن [است]. این همان چیزی است که ما امسال را اعلام کردیم [سال] تولید ملی و اشتغال. تولید ملی؛ یکی از بخشهای مربوط به ظرفیتهای تولید ملی است؛ در اینجا تولید صنعتی و کشاورزی مورد نظر است؛ البته تولید نرم‌افزاری و تولید علم و تولید فکر هم حتماً جزو تولید داخلی است و مهم است، لکن چون مسائل اقتصاد در میان بود، مراد ما تولید صنعتی و کشاورزی و مانند اینها است. تولید ملی، تولید داخلی؛ ظرفیتهای داخلی باید مورد توجه قرار بگیرد.

* ظرفیت نیروی جوان ما بسیار ظرفیت خوبی است

به نظر من، ظرفیت نیروی انسانی جوان ما بسیار ظرفیت خوبی است. چند روز قبل از این، یک عده از جوانهای دانشجو در همین حسینیه جمع شدند، (۱۰) تعدادی از آنها آمدند اینجا صحبت کردند. به بعضی از مسئولین محترم گفتم که واقعاً سطح فهم و درک و برداشت و تلقی اینها از مسائل کشور، سطح بسیار بالا و پیشرفته‌ای است؛ از اینها باید استفاده بشود؛ این نیروی انسانی پیشرفته‌ی ما [است]، افرادی که برای پیشرفت کشور و جهش آن به سمت جلو میتوانند نقش ایفا کنند. ما در زمینه‌ی مسائل علمی از این ظرفیت داخلی خیلی استفاده کرده‌ایم؛ در همین مسئله‌ی انرژی هسته‌ای، چند سال قبل از این، یک روز آمدند اینجا - در همین

حسینیه و زنجی - تا یک گزارش نمایشگاهی به ما بدهند؛ (۱۱) غرفه و زنجی؛ های گوناگونی بود که بنده بازدید میکردم، در همه و زنجی؛ ی این غرفه و زنجی؛ ها تقریباً جوانها - جوانهای کم سن - [بودند] که مسئولین محترم معرفی میکردند. اینها کسانی بودند که بخشهای مختلف انرژی هسته و زنجی؛ ای را پیش و زنجی؛ برده بودند و توانسته بودند آن کارهای بزرگ را انجام بدهند و این صنعت را پیش ببرند. [این] خیلی حائز اهمیت است؛ جوانهای ما یک و زنجی؛ چنین توانایی و زنجی؛ هائی دارند. این هم یک مسئله است.

* اعتماد نکردن به دشمن یک مسئله جدی است

یک موضوع دیگر که این هم جزو تجربه و زنجی؛ های اساسی ما است و بایستی شماها در مدیریت کشور - در هر بخشی که هستید - به آن توجه داشته باشید، مسئله و زنجی؛ ی اعتماد نکردن به دشمن و به وعده و زنجی؛ های دشمن است؛ این حرف، جدی است؛ این مسئله، جدی است؛ ما یک جاهائی اعتماد کردیم به دشمن، ضربه خوردیم؛ با اینکه میتوانستیم اعتماد نکنیم، با اینکه گمان نمیکردیم اعتماد کنیم، اما کردیم. این اعتماد کردن به دشمن و به وعده و زنجی؛ ی دشمن، به ما ضربه میزند؛ اینکه ما استبعاد (۱۲) کنیم که «نه»، بعید است اینکه گفته و زنجی؛ اند عمل نشود و را؛ این درست نیست. آن و زنجی؛ وقتی که بحث کار با بیگانگان است، باید با دقت تمام روی جزئیات تکیه کرد و ملاحظه کرد و وسواس به خرج داد و احتیاط به خرج داد. نباید به اینها اعتماد کرد؛ نه در عمل اعتماد کنیم، نه در کیفیت بیان. این را هم من عرض بکنم که بعضی از شما حضرات محترم که اینجا تشریف دارید، غیر از مسئولین درجه و زنجی؛ ی یک کشور [یعنی] رؤسای قوا و مانند اینها، افراد گوناگون دیگری هستند که اینها اهل سخن گفتند، یعنی اهل منبرند - که منبر را بنده به جای تریبون به کار میبرم - دارای منبرند و میتوانند حرف بزنند و حرف آنها شنیده میشود؛ در لحن بیان [این افراد] هم بایستی احساس اعتماد به دشمن نشود؛ این، هم در ذهنیت داخل تأثیر منفی میگذارد، هم در انعکاسش پیش مخالفین ما و دشمنان ما در خارج تأثیر میگذارد. گاهی در مقاطعی اتفاق افتاده است، ما مثلاً در یک مسئله و زنجی؛ ای کوتاه آمده و زنجی؛ ایم به و زنجی؛ عنوان اینکه در فلان قضیه و را؛ بهانه از دست آمریکائی و زنجی؛ ها یا از دست دشمن گرفته شود و را؛ گرفته هم نشده، ما هم یک چیزی را از دست داده و زنجی؛ ایم! نباید اعتماد کرد؛ [همین و زنجی؛ طور] در مسائل گوناگون.

* به مسئولینی که برجام را دنبال

کردند، اعتماد داشته و زنجی؛ ایم و داریم

بنده مکرر گفتم، ما به مسئولینی که رفتند برجام را دنبال کردند، اعتماد داشته و زنجی؛ ایم و داریم، الان هم همین و زنجی؛ جور [است]، اینها را افراد خودی و علاقه و زنجی؛ مند و مؤمن میدانیم؛ لکن در همین قضیه و زنجی؛ ی برجام، ما در موارد زیادی - به و زنجی؛ خاطر اعتماد به حرف آن طرف مقابل، مذاکره و زنجی؛ کننده و زنجی؛ ی مقابل - از یک نقطه و زنجی؛ ای صرف نظر کردیم، به یک چیزی اهتمام نورزیدیم، یک خلأئی باقی ماند؛ دشمن همین الان از همان خلأ دارد استفاده میکند؛ اینها واقعاً مسائل مهمی است. وزیر محترم خارجه و زنجی؛ ی ما، آقای دکتر ظریف، یک نامه و زنجی؛ ی گویائی به مسئول اروپائی مینویسند - البته این بار چندم است - و موارد نقض روح برجام و جسم برجام [را مطرح میکند]. گاهی میگفتند روح برجام نقض شده، ایشان میگوید که فقط روح برجام نیست، [بلکه] یک جاهائی هم خود برجام - یعنی جسم برجام - هم نقض شده بهوسیله و زنجی؛ ی آمریکائی و زنجی؛ ها؛ ایشان فهرست کردند فرستادند برای آنها. یعنی این [شخص] دیگر کسی نیست که بگویند مخالفین این مذاکرات هستند که این حرف را میزنند؛ نه، خود وزیر محترم خارجه، چون انسان متدینی است، انسان باوجدانی است و انسان صاحب احساس مسئولیت است، خود ایشان هم این اعتراض را دارد میکند. این به و زنجی؛ خاطر آن است که آنجا یک مسامحه و زنجی؛ ای انجام گرفته از ناحیه و زنجی؛ ی ما؛ اگر این تسامح انجام نمیگرفت، اعتماد به دشمن نمیشد، راه دشمن بسته بود و نمیتوانست این کار را انجام بدهد.

* شرایطی را که برای قبول برجام ذکر کردم باید رعایت بشود

الان هم ما نمیخواهیم بحث برجام را مطرح کنیم لکن آن جمعی که معین شده و زنجی؛ اند برای نظارت بر برجام - که رئیس محترم جمهور است، رئیس محترم مجلس است، وزیر محترم خارجه است و چند نفر دیگر هستند - واقعاً در این مسئله دقت کنند؛ یعنی باید دقت کنند، باید مراقبت بکنند ببینند چه اتفاقی دارد می و زنجی؛ افتد. بالاخره ما یک مواردی را ذکر کردیم؛ بنده در قبول برجام یک شرایطی را به طور صریح ذکر کردم، مکتوب هم کردم - زبانی نبود؛ مکتوب فرستادم - اینها باید رعایت بشود؛ به طور دقیق باید اینها رعایت بشود. وقتی طرف مقابل با وقاحت می و زنجی؛ آید می و زنجی؛ ایستند و یک چیزی را میگوید، ما هرچه در این زمینه کوتاه بیایم، حمل بر ضعف خواهد شد؛ حمل بر این خواهد شد که ما ناچاریم، ناگزیریم؛ احساس ناچاری در ما، دشمن را تشجیع میکند به اینکه بر فشارهای ناحق خودش بیفزاید. اینهم یک مسئله.

* آن که سینه سپر میکند، در مقابل دشمن عنصر مؤمن و انقلابی و حزب و زنجی؛ الهی است

مسئله‌ی بعدی که جزو تجربیات ما است که شما این را هم بایستی در مدیریت کشور و اداره‌ی کشور و مدیریت منافع و مضار و فرصتها و تهدیدها در نظر بگیرید، مسئله‌ی اقتدار نظامی و امنیتی کشور است. خیلی مهم است؛ این جزو مسائلی است که باید حتماً مورد توجه قرار بگیرد. بعضی از مسئولین ما مستقیماً مسئولین نظامی و امنیتی هستند که رعایت‌های لازم و وظایف لازم بر عهده‌ی آنها است و خوب کارهای خوبی هم دارد انجام می‌گیرد. بخش عمده‌ی ای از مسئولین کشور کسانی هستند که [به‌طور] مستقیم، ارتباطی با مسائل امنیتی و نظامی ندارند، لکن غیر مستقیم میتوانند تأثیرگذار باشند؛ اینها باید حتماً به این نکته توجه کنند؛ یعنی واقعاً بایستی عوامل اقتدار کشور را حفظ کرد؛ عوامل اقتدار کشور را، نیروهای مسلح را، سپاه را، بسیج را، عناصر مؤمن و حزب‌اللهی را. من این را به شما عرض بکنم، آن که سینه سپر میکند، در مقابل دشمن در بخشهای مختلف می‌ایستد، شرایط سخت را تحمل میکند، او همان عنصر مؤمن و انقلابی و اصطلاحاً حزب‌اللهی است؛ او است که می‌ایستد؛ اینها را باید نگه دارند.

* مسئولین کشور رعایت عناصر مؤمن و انقلابی را بکنند
مسئولین کشور در بخشهای مختلف، چه در دانشگاه، چه در بخشهای صنعتی، چه در بخشهای علمی، چه در بخشهای خدماتی، رعایت این عناصر را بکنند.

* اقتدار نظامی و امنیتی را حتماً اهمیت بدهیم و مستحکم و روزافزون کنیم
اینکه دشمن از سپاه بدش می‌آید، خوب معلوم است؛ میخواهید آمریکا از نیروی قدس شما خوشش بیاید؟ شما توقع دارید آمریکا مثلاً فرض کنید از فلان سردار ما که فعال است در این زمینه، خوشش بیاید؟ خوب معلوم است که بدش می‌آید! معلوم است که شرط و شروط میگذارد در بخشهای مختلف! خوب او میخواهد عوامل اقتدار، در ما نباشد. این درست مثل این میماند که به شما بگویند تیم کشتی شما در مسابقات قهرمانی جهانی شرکت داده میشود، به شما بگویند شرط این است که شما دو سه کشتی بخرید؛ گیر قدر را در تیم ملی نگذارید؛ معنایش چیست؟ معنایش این است که بیایید برای شکست خوردن! شما را وارد مسابقات بین‌المللی میکنیم، بیایید، برای اینکه شکست بخورید؛ معنایش این است. اینکه بگویند شرط این کار، این است که مثلاً فرض کنید سپاه چنین نباشد یا بسیج دخالت نکند یا در فلان مسئله - مثلاً در مسائل منطقه‌ی ای- شرکت نکنند، دخالت نکنند، معنایش این است؛ یعنی عوامل اقتدار خودتان را بایستی وارد میدان نکنید، وارد صحنه نکنید؛ ما به عکس باید عمل بکنیم. ما بایستی اقتدار نظامی و امنیتی را حتماً اهمیت بدهیم و مستحکم کنیم و روزافزون کنیم.

ادامه در etedaldaily.ir

***** مسئله‌ی اقتصاد کشور خیلی مهم است

مسئله‌ی بعدی که این هم جزو چیزهایی است که خیلی مهم است، مسئله‌ی اقتصاد کشور است، که دیگر حالا بحثهای زیادی در این زمینه کرده‌ایم؛ آقای رئیس‌جمهور هم در صحبتشان مفصل پرداختند به مسئله‌ی اقتصاد و کارهایی که باید انجام بگیرد. البته ایشان مواردی را ذکر کردند که باید این کار بشود، باید این کار [دیگر] بشود؛ مخاطب این باید‌ها کیست؟ خود ایشان. یعنی [مخاطب] این باید‌ها غیر از خود آقای دکتر روحانی و تیم کاری‌شان در دولت دوازدهم، هیچ‌کس دیگر [نیست]؛ یعنی غالب این کارها، حالا بخشی از آنها ممکن است به مجلس یا به قوه‌ی قضائیه یا به بعضی جاهای دیگر ارتباط پیدا کند، اما عمده‌ی کارهای خود مسئولین دولتی است؛ این باید‌ها را خود اینها بایستی انجام بدهند؛ اینها واقعیت است. مسئله‌ی اقتصاد خیلی مهم است.

در مسئله‌ی اقتصاد، یکی مسئله‌ی تولید داخلی است که خیلی مهم است! اینکه ایشان ذکر کردند در مورد سرمایه‌گذاری، درست است، ما هم [قبول داریم]. البته بنده این قضیه‌ی سرمایه‌گذاری نیاز به سرمایه‌های داخلی و خارجی را پنج شش سال پیش از این در این جلسه‌ی ای که اینجا در این طبقه‌ی بالا تشکیل دادیم [گفتم]. از شماهایی که اینجا هستید، عده‌ی زیادی حضور داشتید، آنجا افراد اقتصاددان هم [بودند]؛ آنجا بنده گفتم که ما به این مقدار سرمایه احتیاج داریم فقط برای مثلاً بخش نفت و برای بخشهای مختلف کشور؛ اینها نیازهایی است که وجود دارد و باید تأمین بشود، منتها یک نکته‌ی ظریفی وجود دارد. گاهی اوقات دوستان اقتصادی مسئول دولتی، چه در این دولت، چه در دولت قبل - که با ما گاهی ملاقات کردند- معمولاً برای ایجاد اشتغال، شرایط را خیلی سخت میگیرند! برای ایجاد یک شغل مثلاً گاهی گفته میشود صد میلیون لازم است؛ خوب بله، بعضی از مشاغل هست که صد میلیون باید سرمایه‌گذاری بشود تا یک شغل به وجود بیاید، لکن خیلی از مشاغل هست که این‌جوری نیست. ما امروز در روستاهایمان، در شهرهای کوچکمان، در مناطق گوناگونی از کشور، با مبالغ خیلی کمتری میتوانیم اشتغال ایجاد کنیم. می‌بینید کسانی را؛ یک نفری آمده در تلویزیون - گزارشش را بنده همین‌طور گذرا دیدم- بیست نفر را مثلاً مشغول کار کرده با ابتکار خودش، با شوق و ذوق خودش در فلان بخش و فلان صنعت و همه‌ی سرمایه‌گذاری‌اش - از اول تا آخر- صد میلیون نمیشود، اما توانسته ذره ذره کار را پیش ببرد، بیست نفر را مثلاً آنجا مشغول کار کرده، [آن‌هم] کار تولیدی.

***** اگر مسئله‌ی روستاها را حل کنیم مشکلات کم میشود

ما اگر چنانچه توانستیم به مسئله‌ی روستاها - که حالا اینجا من مسئله‌ی روستاها را هم یادداشت کرده‌ام- به معنای واقعی کلمه رسیدگی بکنیم و موضوع روستا را حل کنیم که یک بخش عمده‌ی حل مسائل روستا ایجاد صنایع روستائی است [مشکلات کم میشود]. روستاها احتیاج به صنایعی دارند که متناسب با وضع زندگی روستائی است؛ ما در این زمینه کوتاهی کرده‌ایم. باید صنایع روستائی مورد توجه قرار بگیرد و امکاناتی که برای روستاها لازم است [فراهم شود]. حالا اشاره کردند به اینترنت؛ بله، اینترنت هم یک‌چیزی است، [اما] از اینترنت واجب‌تر مثلاً فرض بفرومائید راه است، امکانات رفت‌وآمد است، امکانات انتقال راحت محصولات است. این‌جور نباشد که یک محصولی که یک کیلومیش در مرکز فلان شهر بزرگ، مثلاً هزارها تومان قیمت دارد، در آنجا روستائی نتواند مثلاً بیشتر از یک‌دهم این قیمت، پول از آن به دست بیاورد و سود از آن ببرد؛ این‌جور نباشد. وقتی‌که ما ارتباطات را توانستیم تنظیم کنیم و تأمین کنیم، رفت‌وآمد و دادوستد روستائی وقتی‌که آسان شد و تضمین شد، طبعاً روستاها تولیدکننده باقی میمانند و خیلی از مشکلات کم خواهد شد. این حاشیه‌نشینی‌ها به‌خاطر وضع نابسامان روستاها است که [به شهرها] می‌آیند و الان یکی از مشکلات کشور شده حاشیه‌نشینی و مفاسدی که در حاشیه‌نشینی شهرها به وجود می‌آید؛ و آسیب‌های اجتماعی فراوان.

***** جائی که تولید داخلی‌ای هست با شدت تمام باید جلوی واردات گرفته بشود

یک مسئله، مسئله‌ی مهم واردات است که البته در بعضی از اقلام واردات، تعرفه مشکل را حل میکند، در بعضی از اقلام واردات تعرفه مشکلی را حل نمیکند. جلوی واردات باید گرفته بشود در یک بخشهایی. البته در یک بخشهایی هم ممکن است واردات را شما تشویق کنید؛ این اشکالی ندارد. بستگی دارد به نیازها و امکاناتی که در کشور وجود دارد. آنجائی که تولید داخلی‌ای هست و واردات به این تولید ضربه میزند، آنجا با شدت تمام باید جلوی واردات گرفته بشود. انسان گاهی بعضی از شکایاتی را می‌شنود - گاهی به ما مینویسند، گاهی در بعضی از گزارشهای عمومی انسان می‌شنود- که تولیدکننده‌ی داخلی گله‌مند است از اینکه ما داریم با این زحمت این [جنس] را تولید میکنیم، از آن‌طرف هم بی‌دریغ دارد وارد میشود. مصرف‌کننده‌ی داخلی [هم] که فلان دستگاه فرساً دولتی یا شبه‌دولتی است، به بهانه‌ی اینکه این [جنس] به خوبی آن جنس خارجی نیست [آن را نمیخرد]. خب قیمتش که ارزان‌تر است، شما مصرف کن، استفاده کن، کمک به تولید بکن، تجربه‌ی بعدی او بهتر خواهد بود؛ این‌چیز طبیعی و روشنی است؛ ولاً اگر ما همین‌طور بخواهیم جنس لوکس تهیه بکنیم، این نمیشود و این تولید داخلی هیچ‌وقت به‌جائی نمیرسد.

مسئله‌ی قاچاق. یکی از مسائل مهم مسئله‌ی قاچاق است. به‌طور جدی بایست در مسئله‌ی قاچاق [برخورد بشود].

من اینجا یادداشت کرده‌ام که بیشتر وزارتها میتوانند در تقویت اقتصاد ملی نقش ایفا کنند. واقعاً این‌جوری است. خیلی از وزارتها به‌حسب ظاهر ارتباطی با مسائل اقتصادی ندارند - فرض کنیم وزارت علوم یک وزارت اقتصادی نیست- اما میتوانند نقش ایفا کنند در تقویت اقتصاد ملی. فرض بفرومائید که در تزه‌های دکتری و کارشناسی ارشد و مانند این کارهایی که میکنند، اینها را راهنمایی کنند، هدایت کنند تا در خدمت اقتصاد ملی قرار بگیرد؛ مسائل داخلی را حل کند، مشکلات داخلی کشور را حل کند. آماده‌اند این جوانهای ما، این یکی از کارهای مهم است. همین ارتباط صنعت و دانشگاه که ما چند سال است این قصیه را داریم تکرار میکنیم، از جمله‌ی چیزهای [مهم] است؛ و همچنین بقیه‌ی وزارتخانه‌ها.

***** اجرای اصل ۴۴ کمک خواهد کرد به اقتصاد داخلی

اجرای درست اصل ۴۴ که در این دولت و در دولت قبل، آن‌چنان که شایسته و بایسته است اجرا نشده است؛ نه در این دولت درست اجرا شده، نه در دولت قبل درست اجرا شد. در [اجرای] این اصل ۴۴ که سپردن مسئولیتهای اقتصادی به بخش خصوصی است، با شرایط خاصی که معین شده و سیاستهای اعلام شده است و قانون هم برایش وضع شده، باید جبران عقب‌ماندگی‌ها بشود. این کاملاً کمک خواهد کرد به اقتصاد داخلی. و البته مسئله‌ی امنیت سرمایه‌گذاری‌ی خیلی مهم است؛ بخشی از امنیت سرمایه‌گذاری مربوط میشود به دستگاه قوه‌ی مجریه، بعضی هم به دستگاه‌های دیگر مثل قوه‌قضائیه و دستگاه‌های گوناگون دیگر. این هم یک مسئله است.

***** در زمینه‌ی مسائل اقتصادی بایستی وارد میدان عمل بشویم

البته در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، ما حرف خیلی میزنیم؛ در این چند سال، هم بنده، هم مسئولین دولتی، هم

در مجلس و دیگران، حرف زیاد زده؛ ایم، [اما] بایستی وارد میدان عمل بشویم؛ نقشه؛ ی کار روشن باید وجود داشته باشد. باید یک نقشه؛ ی راه روشنی را [باشد]؛ یکی از اولین کارهایی که در دولت ان؛ شاءالله باید انجام بگیرد، این است که یک نقشه؛ ی راه روشن و کاملی که جامع باشد تهیه بشود و آماده بشود که همه؛ ی این کارها را، بخشهای مختلف مربوط به خودش بتوانند انجام بدهند.

***** در فضای مجازی، آنچه از همه مهم؛ تر است، شبکه؛ ی ملی اطلاعات است یکی دیگر از چیزهایی که در مدیریت کشور - که بتوانید کشور را اداره کنید- تأثیر دارد، مسئله؛ ی فضای مجازی است؛ فضای مجازی خیلی مهم است. در مسئله؛ ی فضای مجازی، آنچه از همه مهم؛ تر است، مسئله؛ ی شبکه؛ ی ملی اطلاعات است. متأسفانه در این زمینه کوتاهی شده، کاری که باید انجام بگیرد، انجام نگرفته؛ این [طور] نمیشود.

***** کنترل فضای مجازی به معنای محروم کردن از آن نیست اینکه ما به عنوان اینکه نباید جلوی فضای مجازی را گرفت، در این زمینه؛ ها کوتاهی کنیم، این مسئله؛ ی ای را حل نمیکند و منطق درستی هم نیست. خب امروز فضای مجازی مخصوص ما که نیست، همه؛ ی دنیا امروز درگیرند با فضای مجازی؛ کشورهایی که شبکه؛ ی ملی اطلاعات درست کرده؛ اند و [فضای مجازی را] کنترل کرده؛ اند به نفع خودشان و به نفع ارزشهای مورد نظر خودشان، یکی دو تا نیستند. بهترین کشورها، قوی؛ ترین کشورها، در این زمینه؛ ها خط؛ قرمز دارند؛ راه نمیدهند؛ خیلی از بخشهای فضای مجازی اعزام؛ شده؛ ی از سوی آمریکا و دستگاه؛ های پشت سر و پشت صحنه؛ ی این قضیه؛ را راه نمیدهند؛ کنترل میکنند. ما هم باید کنترل کنیم؛ این کنترل کردن معنایش این نیست که ما ملت را از فضای مجازی محروم کنیم؛ نه، معنایش این نیست. امروز بهمنی از گزاره؛ های درست و نادرست دارد روی سر مراجعین اینترنت ما فرود می؛ آید؛ اطلاعات غلط، اطلاعات نادرست، شبهه؛ اطلاعات -بعضی چیزها اطلاعات واقعی نیست، اطلاع؛ نمائی است- خب اینها دارد مثل یک بهمنی فرود می؛ آید؛ ما چرا باید اجازه بدهیم این اتفاق بیفتد؟ ما چرا باید اجازه بدهیم آن چیزهایی که برخلاف ارزشهای ما است، برخلاف آن اصول مسلم؛ ی ما است، برخلاف همان اجزا و عناصر اصلی هویت ملی ما است، بهوسیله؛ ی کسانی؛ که بدخواه ما هستند، در داخل کشور توسعه پیدا کند؟ نه. کاری کنید که از منافع و سودها و بهره؛ های فضای مجازی همه؛ بتوانند استفاده کنند، سرعت اینترنت را افزایش هم بدهید - این کارهایی که باید انجام بگیرد، انجام بگیرد- اما در آن چیزهایی که به ضرر کشور شما، به ضرر جوان شما و به ضرر افکار عمومی شما نیست؛ این چیز خیلی مهمی است؛ این کار باید انجام بگیرد. بنابراین، مسئله؛ ی شبکه؛ ی ملی اطلاعات هم خیلی مهم است.

***** آمریکا با استقلال کشورها مشکل دارد مسئله؛ ی آخری هم که مطرح میکنم مسئله؛ ی آمریکا است. بسیاری از مسائل ما با آمریکا اساساً قابل حل نیست، علت هم این است که مشکل آمریکا با ما، خود ما هستیم - یعنی خود جمهوری اسلامی- مشکل این است. نه انرژی هسته؛ ای مشکل است، نه حقوق بشر مشکل است؛ مشکل آمریکا با نفس جمهوری اسلامی است. اینکه یک دولتی، یک نظامی، یک حکومتی به؛ وجود بیاید، آنهم در یک جای مهمی مثل ایران، آنهم در یک سرزمین ثروتمندی مثل ایران، یک حکومتی سر کار بیاید که به؛ آری و نه؛ ی قدرتی مثل آمریکا اعتنا نداشته باشد و خودش در مسائل؛ آری و نه؛ بگوید، این برایشان غیر قابل تحمل است؛ با این مخالفند، با این معارضند. این معارضه را چه؛ جوری میخواهید حل کنید؟ بنابراین، با آمریکا مشکلات ما حلشدنی نیست؛ اینها با اصل نظام مشکل دارند. من به شما این را عرض بکنم که با قطع نظر از نظام، با استقلال کشور هم مشکل دارند؛ یعنی اگر فرض کنیم یک نظامی غیر نظام جمهوری اسلامی هم سر کار بود و بنا بود مستقل باشد، اینها با آن مشکل داشتند. این تجربه؛ ی نهضت ملی جلوی چشم ما است. در نهضت ملی، دکتر مصدق به آمریکائی؛ ها حسن؛ ظن داشت، بلکه ارادت داشت اما مایل نبود تکیه کند به آنها؛ - با انگلیسی؛ ها البته بد بود- مایل به استقلال بود. آن کسی که عامل کودتا علیه دکتر مصدق شد، نه یک انگلیسی، [بلکه] یک آمریکائی بود و پشت سرش بیش از دستگاه اینتلیجنتسرویس انگلیس، سیای آمریکا قرار داشت؛ آمریکا این؛ جوری است. یعنی با یک نظامی و با یک حکومتی هم که مطلقاً حکومت دینی هم نیست، حکومت انقلابی هم نیست - نهضت ملی که یک حکومت انقلابی نبود؛ فقط دنبال استقلال کشور از زیر یوغ انگلیس؛ ها بود و خیال میکرد آمریکائی؛ ها کمکش میکنند- نتوانستند بسازند؛ با استقلال کشور مخالفند. این کشور، کشور جذابی است؛ این را شما [بدانید]. البته همه؛ ی شما میدانید؛ [اما] بیشتر بدانید. ما کشور جذابی هستیم، جایمان مهم است، منطقه؛ ی زیستی؛ مان مهم؛ است، مسائل اقلیمی؛ مان مهم است، منابع زیرزمینی؛ مان مهم است. بنده یکوقتی در این جلسه گفتم ما یک درصد جمعیت دنیاییم، چند درصد امکانات اساسی فلزهای اصلی دنیا در کشور ما است؛ حالا نفت و گاز به جای خود؛ یک ثروت عظیمی در اینجا خفته؛

است؛ علاوه‌ی بر اینها، [دارای] نیروی انسانی فوق‌العاده‌ی این کشور، این کشور جذّابی است. قدرتهائی که کارشان دست‌اندازی به اینجا و آنجا است، از یک چنین لقمه‌ی چربونرمی به‌آسانی حاضر نیستند بگذرند؛ مگر اینکه نگذاریم از گلویش پایین برود، که نمیگذاریم؛ البتّه انقلاب اسلامی نمیگذارد.

***** آمریکا تروریست و تروریست‌پرور است

بنابراین اینها بهانه است؛ حقوق بشر بهانه است، این بی‌ثبات کردن منطقه _ که اخیراً در شعارهای آمریکائی‌ها علیه ما هست _ بهانه است، تروریسم بهانه است؛ و [همین طور] بقیه‌ی حرفهائی که میزنند. اینها خودشان، هم تروریستند، هم تروریست‌پرورند، هم حامی یک کشوری مثل رژیم صهیونیستی هستند که مغز تروریسم و مادر تروریسم است و از اوّل، اصلاً با تروریسم به وجود آمده، با کشتار و با ظلم به وجود آمده؛ اینها حامی او هستند. بنابراین اینها همه بهانه است؛ اینها با نظام اسلامی خوب نیستند. با آمریکا نمیشود کنار آمد؛ حرفهای مبهم و دوپهلو که در این زمینه‌ی ما به سوءاستفاده‌ی کسانی بشود، نباید زد؛ صریح و روشن باید مطالب را بگوییم.

***** ما از ظلم‌ستیزی دست برنمی‌داریم

خود آمریکائی‌ها هم بدانند، جمهوری اسلامی از مواضع اصلی خود کوتاه نمی‌آید. ما از ظلم‌ستیزی دست برنمی‌داریم، از دفاع از فلسطین کوتاه نمی‌آئیم، از مبارزه‌ی برای احقاق حقوق خودمان کوتاه نمی‌آئیم. ما یک ملت زنده‌ای هستیم، خوشبختانه انقلاب زنده است، انقلاب جوان است. اینها منتظر بودند بنشینند تا انقلاب پیر بشود؛ ماها پیر میشویم، [اما] انقلاب پیر نمیشود. انقلاب بحمدالله در اوج نشاط و جوانی و توانائی و فعالیت و زاینده‌گی و تولیدکنندگی است. وقتی شما به این جوانهای انقلابی نگاه میکنید، تصدیق میکنید که انقلاب دارد همچنان تولید میکند و زایش دارد؛ دائم رویش در انقلاب وجود دارد. این، بنابراین ان‌شاءالله آینده‌ی خوبی را هم به ملت ما نوید میدهد. و امیدواریم ان‌شاءالله روزبه‌روز وضع ملت هم بهتر بشود و کشور بتواند تهدیدها را به بهترین وجهی ان‌شاءالله دفع کند.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را قدران انقلاب اسلامی قرار بده. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ما را قدران خونهای پاکیزه‌ی این نظام بر زمین ریخته شد، قرار بده؛ ما را با وظایف خودمان آشنا و به آنها عامل قرار بده. پروردگارا! در این روزهایی از ماه رمضان که باقی است - بخصوص لیالی و آیام قدر- به ما نظر لطف و رحمت خودت را ببنداز. پروردگارا! به محمد و آل محمد، ملت ایران را در همه‌ی عرصه‌ی عرصه‌ها پیروز کن. پروردگارا! ما را در عرصه‌ی معنوی و در عرصه‌ی مادی به پیروزی و موفقیت و نجات (۱۳) کامل برسان. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوارمان را از ما راضی و خشنود کن؛ ارواح طیبه‌ی شهدا را از ما خشنود کن؛ قلب مقدس ولی‌عصر را از ما خشنود و راضی بفرما.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

***** پی‌نوشت‌ها؛

- (۱) در ابتدای این دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی (رئیس‌جمهور) مطالبی بیان کرد.
- (۲) من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۹۰ (دعای ابی‌حمزه‌ی ثمالی)
- (۳) سوره‌ی زمر، بخشی از آیه‌ی ۲۲؛ ...؛ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمیکند؛ اینانند که در گمراهی آشکارند.
- (۴) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۱۳؛ ...؛ پس به [سزای] پیمان شکست‌شان لعنت‌شان کردیم و دل‌هایشان را سخت گردانیدیم ...؛
- (۵) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۷۴؛ ...؛ پس دل‌های شما بعد از این [واقعیه] سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت‌تر از آن، چرا که از برخی سنگ‌ها، جویهائی بیرون میزنند ...؛
- (۶) کافی، ج ۲، ص ۳۲۹
- (۷) تحف‌العقول، ص ۲۹۶؛ ...؛ هیچ بنده‌ی ای به کیفی سخت‌تر از سنگدلی گرفتار نیامده است.
- (۸) شیوه، روش
- (۹) دونالد ترامپ
- (۱۰) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور و نمایندگان تشکلهای دانشجویی (۱۷/۳/۱۳۹۶)
- (۱۱) بازدید از نمایشگاه فناوری هسته‌ی ای (۲۵/۳/۱۳۸۵)
- (۱۲) بعید شمردن، دور دانستن

۱۳) پیروزی، رستگاری